

فصلنامه عامه
نشریه مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز
سال هجدهم - شماره پیاپی ۵۹
زمستان ۱۳۹۸

نقد و بررسی ردپای شعر فرنگی در شعر «یاد آرزو شمع مرده» دهخدا*

مسعود دهقانی**

چکیده

در شعر دوره مشروطه پشتوانه فرهنگی شاعران از طریق ترجمه‌ها گسترش می‌یابد و علاوه بر فرهنگ سنتی ایران شامل آثار اروپایی و به طور کلی فرهنگ اروپایی نیز می‌شود. در سیر این انتقال فرهنگی، آثار اروپایی چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم و از طریق ترجمه تأثیرات بسیاری در حوزه‌های متعدد از جمله مضامین، تصاویر و زبان (واژگان، ترکیبات و ...) در شعر جدید فارسی داشتند. شعر «یاد آرزو شمع مرده» دهخدا از نظر تاریخی و ادبی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ادبیات و شعر عصر جدید فارسی دارد و اولین شعر مهم و تأثیرگذار فارسی است که به صورت مستقیم از شعر فرنگی تأثیر پذیرفته است. در پژوهش حاضر شعر «یاد آرزو شمع مرده» دهخدا در چارچوبی علمی با شعر «به یاد آرزو» آلفرد دو

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۳

* تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۴

masooddehghani@yahoo.com

** نویسنده مسئول

موسه و همچنین شعر «یاد ایت بنی» رجائی زاده به صورت تطبیقی مقایسه خواهد شد و میزان و نوع تأثیر دهخدا در سرودن شعر «یاد آرزو شمع مرده» از الگوهای فرانسوی و ترکی بررسی می‌شود. البته تکیه اصلی این مقاله چنان که دهخدا خود صراحتاً بیان کرده و با توجه به قراین علمی و ادبی بر روی الگوی فرانسوی این شعر خواهد بود.

کلمات کلیدی: دهخدا، آلفرد دو موسه، رجائی زاده، ادبیات تطبیقی.

مقدمه

برای اولین بار ویلمن^۱، یکی از اساتید دانشگاه سرین، در سال ۱۸۲۸ م در درس تاریخ ادبیات فرانسه از تأثیر ادبیات انگلیسی و ایتالیایی بر ادبیات فرانسه سخن گفت و در مجموعه سخنرانی‌های خود برای نخستین بار اصطلاح ادبیات تطبیقی^۲ را به کار برد. (حدیدی، ۱۳۵۶: ۱۷۳) سیر تحولات نظری ادبیات تطبیقی شاخه‌های متعددی دارد که بیانگر اهمیت و تنوع حوزه‌های علمی این رشته است. (۱) هر یک از مکتب‌هایی که در حوزه ادبیات تطبیقی پدید آمده‌اند تعاریف متعددی برای این شاخه علمی دارند. بر اساس یکی از این تعاریف که بر پایه مکتب فرانسوی ارائه شده است، «ادبیات تطبیقی، بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات دیگر زبان‌ها ... [و] بیانگر انتقال پدیده‌های ادبی از یک ملت به ادبیات دیگر ملت‌ها است.» (ندا، ۱۳۸۳: ۲۵ - ۲۶) که این انتقال می‌تواند در حوزه‌های واژگان، تصاویر، حوزه احساسات و ... باشد.

از نظر ادبیات تطبیقی، شعر فارسی در تأثیرگذاری در ادبیات خارجی و تأثر از آنها، خصوصاً ادبیات فرانسه استعداد قابل توجهی دارد. در باب تأثیر شعر فارسی و به طور اخص تأثیر شعر کلاسیک فارسی بر شعر اروپایی تحقیقات قابل توجهی اعم از کتاب، رساله و مقالات انجام گرفته است، اما درباره تأثر شعر فارسی از شعر فرنگی فارغ از چند مقاله و فصل‌هایی از برخی کتب، تحقیق و رساله منحصر به فردی انجام نپذیرفته است. بر این اساس نیاز است شعر جدید فارسی از این لحاظ، از همان دوران پیدایش شعر مشروطه مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

«اگر بگویم یکی از عوامل اصلی دگرگونی اندیشه در [عصر مشروطه] ترجمه

۱. Villemain.

۲. la Littérature Comparée.

است، قدری ستم است؛ بلکه باید گفت در حقیقت تنها عامل یا مهم‌ترین عامل ترجمه است. ترجمه پلی بود برای عبور فکر اروپایی و انتقال آن به حوزه ایران. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۴۵) در حقیقت ترجمه به عنوان خونی تازه، روانی جدید به ادبیات فارسی بخشید. ترجمه ادبی در تحول جمال‌شناختی شعر جدید فارسی نقش اصلی را داشته است. «[ترجمه] منبع غنی‌سازی سنت ادبی بومی و تسهیل‌کننده فعالیت‌های بعدی در زمینه آفرینش متن‌های تازه است. به این اعتبار، ترجمه را می‌توان به عنوان یکی از عوامل تحولی نظام‌مند و مهم مورد بحث قرار داد که الگوهای تازه‌ای در اختیار شاعران و نویسندگان می‌گذارد که پیش از آن در سنت بومی حضور نداشته‌اند. ترجمه از این طریق به تحول نظام ادبی شتاب می‌دهد و وقوع آن را تسهیل می‌کند.» (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۲۶۳)

از سویی دیگر، یکی از ابعاد مهم شخصیت هنری شاعران، پشتوانه فرهنگی است. «پشتوانه فرهنگی مثل جریان یک رودخانه معنوی از دنیای نسل‌های گذشته حرکت می‌کند... ذات شاعر مانند ترانسفورماتوری است که این جریان را تقویت می‌کند و به جامعه می‌سپارد و باز خودش بخشی از پشتوانه فرهنگی را برای شاعران نسل بعد از خود به وجود می‌آورد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۳۳ - ۱۳۴) در ادبیات جهان هیچ شاعر بزرگی نیست که از این موضوع استثناء باشد. بر اساس پشتوانه فرهنگی است که ساختار ذهنی همه شاعران بزرگ و نوابغ هنرمند شکل می‌گیرد تا وی با استفاده از ابزار هنری هر یک از شاخه‌های هنری - در شعر: عاطفه، تخیل، زبان (واژگان، ترکیبات، نحو) و آهنگ (۲) - اثر هنری خود را خلق نماید. در دیدگاه‌های جدید ادبیات تطبیقی از پشتوانه فرهنگی با عنوان «هویت» یاد می‌شود. (نجومیان، ۱۳۹۱: ۱۲۶)

شعر «یاد آر ز شمع مرده» دهخدا از نظر تاریخی و ادبی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ

ادبیات و شعر عصر جدید فارسی دارد و اولین شعر مهم و تأثیرگذار فارسی است که به صورت مستقیم از شعر فرنگی تأثیر پذیرفته است. پس از سرایش این شعر، شاعران زیادی چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ شکل از آن بهره‌ها برده و استقبال‌ها کرده‌اند از جمله: حیدرعلی کمالی، یحیی ریحان، ملک‌الشعراء بهار و پروین اعتصامی. در این میان، معروف‌ترین آنها تصنیف «مرغ سحر» استاد ملک‌الشعراء بهار با آهنگ مرتضی‌نی‌داود است که در دوران معاصر شهرتی خاص دارد. (عابدی، ۱۳۷۹: ۱۴۷) بسیاری از محققان و شاعران ادبی نیز این شعر را نخستین شعر جدید فارسی معرفی کرده‌اند. (۱)

شعر «یاد آر ز شمع مرده» در سومین و آخرین شماره صوراسرافیل (۱۵ صفر ۱۳۲۷ ق) در سوئیس (۲) منتشر شد و بر اساس گفته دهخدا «وصیت‌نامه دوست یگانه وی»، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل است. دهخدا در یادداشتی درباره این شعر چنین می‌گوید: «شبی مرحوم میرزا جهانگیرخان را به خواب دیدم در جامه سپید، که عادتاً در تهران در بر داشت و به من گفت: "چرا نگفتی او جوان افتاد!" من از این عبارت چنین فهمیدم که می‌گوید: چرا مرگ مرا در جایی نگفته یا ننوشته‌ای؟ و بلافاصله در خواب، این جمله به خاطر من آمد: یاد آر ز شمع مرده یاد آر! در این حال بیدار شدم و چراغ را روشن کردم و تا نزدیک صبح سه قطعه از مسقط ذیل را ساختم و فردا گفته‌های شب را تصحیح کرده و دو قطعه دیگر بر آن افزودم.» (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۹۴) و در نامه‌ای به معاضدالسلطنه پیرنیا (۳) نیز که با زبان فرانسوی کاملاً آشنا بود، چنین می‌نویسد: «وصیت‌نامه مرحوم میرزا جهانگیرخان را که بنا بود به شعر بسازم، تمام کرده‌ام. حاضر است. به نظر خودم تقریباً در ردیف اول شعرهای اروپایی است. اگرچه دختری که نه‌اش تعریف کند برای دایمی‌اش خوب است.» (ایرج افشار،

«صوراسرافیل»، آینه، س ۵، ش ۷ - ۹. به نقل از عابدی، ۱۳۷۹: ۱۴۸)

همان طور که دهخدا خود بیان می‌کند شعر «یاد آر ز شمع مرده» بر اساس الگویی اروپایی سروده شده است. اگرچه این نکته توسط برخی از محققان به صورت کلی و بدون اشاره به نام الگوی اروپایی مطرح شده اما تا به امروز پژوهشی دقیق و تطبیقی در باب مقایسه شعر دهخدا با الگوهای این شعر انجام نگرفته است. در کنار این مطلب، تقریباً تمامی محققانی که به الگوی شعر «یاد آر ز شمع مرده» دهخدا توجه داشته‌اند، الگویی ترکی نیز برای این شعر معرفی کرده‌اند. یکی از اولین محققانی که به این نکته اشاره دارد، مرحوم یحیی آرین‌پور است: «به نظر ما بعید نیست دهخدا، که زبان ترکی را به خوبی می‌دانسته و روزنامه ملانصرالدین را می‌خوانده و در این زبان به سبک صابر شعر می‌ساخته، شعر «وقتا ک گلوب بهار یکسر» رجائی‌زاده اکرم، شاعر ترک یا نظیره طنزآمیزی را که میرزا علی‌اکبر صابر (۱۸۶۲-۱۹۱۱ م) بر آن قطعه ساخته است، در روزنامه ملانصرالدین دیده و وزن و ترکیب و مضمون آن را در ذهن داشته و بعد از آن الهامی که در عالم واقعه گرفته، قطعه خود را به تقلید یا به استقبال آن ساخته باشد. به هر حال جای تردید نیست که شعر دهخدا در فرم و سبک و وزن و ساختمان و حتی شماره مصراع‌ها نظیره و تقلیدی است از شعر شاعر ترک.» (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۹۵)

بر این اساس نیاز است تا در چارچوبی علمی، شعر «یاد آر ز شمع مرده» با الگوهای فرانسوی و ترکی به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد و نحوه و شدت تأثر دهخدا از هر دو الگو مشخص گردد. در این مقاله سعی می‌گردد با ارائه و مقابله هر سه شعر، میزان تأثر دهخدا در سرودن شعر «یاد آر ز شمع مرده» از الگوهای فرانسوی و ترکی نشان داده شود. البته تکیه اصلی این مقاله چنان که مرحوم دهخدا خود صراحتاً بیان کرده و با توجه به قرائن علمی و ادبی بر روی الگوی فرانسوی شعر

خواهد بود.

پیشینه تحقیق

در باب اهمیت تاریخی و هنری اشعار دهخدا محققان مطالب ارزشمندی ارائه نموده‌اند که در این میان توجه به شعر «یاد آر ز شمع مرده» و تحلیل ساختار و اهمیت هنری و تاریخی این شعر، بخش عمده‌ای از این تحقیقات را شامل می‌شود. اما نکته بسیار جالبی که در میان این تحقیقات به چشم می‌خورد، عدم توجه لازم و کافی به الگوی فرانسوی این شعر است. یحیی آرین‌پور بدون اشاره به نام الگوی فرانسوی شعر «یاد آر ز شمع مرده» در این مورد چنین می‌نویسد: «این شعر گویا نخستین شعر فارسی است که آثار مشخص اشعار اروپایی را دارد و نه تنها صورت جدیدی در ادبیات منظوم ایران به وجود آورده، بلکه از جهت سمبولیسم عمیق و لحن استوار خود شایان توجه است.» (همان، ۹۴)

ولی‌الله درودیان نیز در کتاب خود با نام *سرچشمه‌های مضامین شعر امروز ایران* که فصلی را به دهخدا اختصاص داده است و الگوهای آلمانی و عربی اشعار وی را بررسی کرده، اشاره‌ای به این شعر دهخدا ندارد. عبدالعلی دستغیب هم پس از نقل قول نویسنده *از صبا تا نیما*، بدون آنکه منظور یحیی آرین‌پور را از «داشتن آثار مشخص اشعار اروپایی» به درستی درک کرده باشد، مخالف تأثر دهخدا از الگوی خارجی است: «هر دو مورد این داوری، خطاست... شعر دهخدا افاعیل و عروض و سد و بندهای قافیه‌پردازی را درهم نشکسته و از قالب‌های کهن بیرون نیامده است. تعبیرها و تصویرهای آن نیز پارسی است و اثری از شیوه شاعران اروپایی ندارد.» (دستغیب، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۳) و سپس سمبولیک بودن این شعر دهخدا را نیز رد می‌کند: «شعر دهخدا سمبولیک نیز نیست. سوگ‌نامه‌ای است درباره مرگ جهانگیرخان و تعبیر آن نیز

قدیمی است. (همان، ۱۷۴) البته همان طور که در این مقاله بررسی خواهد شد، هردو نظر دستغیب در این باب، از نظر علمی فاقد اعتبار است. دکتر کریمی حکاک نیز در کتاب ارزشمند خود، طلیعه تجدد در شعر فارسی اگرچه با توجه به اصول نقد ادبی جدید، تحلیلی کاملاً علمی و دقیق از شعر «یاد آر ز شمع مرده» دهخدا ارائه نموده است (۴) اما وی نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به نام الگوی فرانسوی این شعر ندارد و این در حالی است که توجه به الگوی فرانسوی شعر دهخدا می‌توانست در تحلیل او بسیار مؤثر باشد.

تنها متنی که به صورت کلی به نام و متن الگوهای فرانسوی و ترکی شعر «یاد آر ز شمع مرده» پرداخته، مقاله‌ای است با نام «نگاهی تطبیقی به شعر ای مرغ سحر دهخدا و به یاد آر آلفرد دو موسه» (جوادی، ۱۳۸۹) که متأسفانه به دلایلی مانند فقدان کوچک‌ترین تحلیل نسبت به اشعار و خصایص مشترک و چگونگی تأثیر، عدم استفاده از منابع پژوهشی معتبر، ناقص بودن متن شعر رجائی‌زاده و کم‌اعتباری ترجمه‌های اشعار در این مقاله، ارزش علمی آن زیر سؤال رفته است؛ به طوری که خواننده پس از خوانش این مقاله نسبت به نتیجه و هدف آن دچار سردرگمی می‌شود.

مقایسه تطبیقی

در این مقاله شعر «یاد آر ز شمع مرده» دهخدا با شعر «به یاد آر» آلفرد دو موسه^۳ (۵) که یکی از مشهورترین اشعار رمانتیک غربی به حساب می‌آید و موسه آن را بر اساس آهنگ «فراموشم مکن»^۴ موتسارت^۵، موسیقیدان معروف اتریشی سروده است (۶)

3. Alfred de Musset.

4. «Vergiss mein nicht».

5. Wolfgang Amadeus Mozart (1756 - 1791).

و همچنین شعر «یاد ایت بنی» رجائی زاده (۷) به صورت تطبیقی مقایسه خواهد شد. به همین منظور، ابتدا متن اصلی اشعار فرانسوی و ترکی ارائه شده، سپس به تطبیق ترجمه اشعار با شعر دهخدا خواهیم پرداخت.

متن شعر رجائی زاده برای اولین بار و به صورت کامل (در شش بند) از روی متن اصلی کتاب پژمرده که نویسنده این مقاله از کتابخانه دانشگاه تورنتو^۶ یافته است، در تحقیقات فارسی ارائه می شود. در ترجمه شعر آلفرد دو موسه نیز از میان ترجمه های موجود، از ترجمه نصرالله فلسفی که نسبت به ترجمه های دیگر از جمله ترجمه شجاع الدین شفا بهتر و نزدیک تر به متن اصلی است، استفاده شده و در ترجمه شعر رجائی زاده در دو بند اول، ترجمه یحیی آرین پور ذکر گردیده و ترجمه بندهای دیگر شعر بر عهده نویسنده مقاله بوده است.

شعر آلفرد دو موسه:

Rappelle-toi

Rappelle-toi, quand l'Aurore craintive

Ouvre au Soleil son palais enchanté;

Rappelle-toi, lorsque la nuit pensive

Passé en rêvant sous son voile argenté;

A l'appel du plaisir lorsque ton sein palpite,

Aux doux songes du soir lorsque l'ombre t'invite,

Ecoute au fond des bois

Murmurer une voix :

Rappelle-toi.

Rappelle-toi, lorsque les destinées

**M'auront de toi pour jamais séparé,
Quand le chagrin, l'exil et les années
Auront flétri ce coeur désespéré;**

**Songe à mon triste amour, songe à l'adieu suprême!
L'absence ni le temps ne sont rien quand on aime.**

**Tant que mon coeur battra,
Toujours il te dira
Rappelle-toi.**

Rappelle-toi, quand sous la froide terre

**Mon coeur brisé pour toujours dormira;
Rappelle-toi, quand la fleur solitaire**

**Sur mon tombeau doucement s'ouvrira.
Je ne te verrai plus; mais mon âme immortelle
Reviendra près de toi comme une soeur fidèle.**

**Ecoute, dans la nuit,
Une voix qui gémit :
Rappelle-toi.**

(musset, 1891: 231-232)

ترجمه:

به یاد آرا!

وقتی که سپیده دم با بیم و هراس، کاخ سحرآمیز خود را بر خورشید فروزنده
می گشاید، مرا به یاد آرا!

وقتی که شب اندیشمند نقاب سیمگون به سر می کشد، مرا به یاد آرا!

وقتی که دلت در هوای لذت و سرور در سینه می تپد، زمانی که تنهایی و تاریکی

تخیلات لذیذ شبانه را در تو بیدار می‌کند، به آوایی که از درون جنگل‌ها برمی‌آید، گوش کن! می‌گویند: مرا به یاد آر!

وقتی که دست قضا مرا جاودانه از تو جدا کرد، وقتی که غم و دوری و گذشت سال‌ها، این دل نومید را پژمرده ساخت، به عشق اندوه‌زای من و آخرین وداع ما اندیشه کن!

دوری و زمان پیش عشق هیچ است. دل من تا وقتی که می‌تپد به تو خواهد گفت: مرا به یاد آر!

وقتی که این دل شکسته زیر خاک سرد در خواب جاودان شد، مرا به یاد آر!

وقتی که گل یگانه گلبن گور من آرام شکفته شد، مرا به یاد آر!

دیگر تو را نخواهم دید، ولی روح جاودانم چون خواهر مهربانی همیشه با تو خواهد بود و شب‌هنگام آوایی استغاثه‌کنان به تو خواهد گفت که: مرا به یاد آر!

(فلسفی، ۱۳۴۱: ۲۲۸-۲۲۹)

شعر رجائی‌زاده (نگارش شعر عیناً نقل می‌شود):

اشیاده عیان اولور تغییر	وقتا که گلیب باهار یکسر
یاپراقلار ایله ایدیب تستر	وقتا که هزار عشق‌پرور
باشلار نوحاته بی تاخر	بیلیم کیمه قارشی حسرتیندن
صافیت عشقیمی تخطر	قیل کوک یوزینک لطافتیندن

یاد ایت بنی بر دقیقه یاد ایت!

اولدوقده نشیمک سر آب	بر لیل سکون نماده تنها
سودالر ایچنده نور مهتاب	قیل چشمکی عطف سمت بالا

اولدقجه درونکه غم افزا ایله او کچن دمی تذکر
پیش نظرکده سطح دریا ایتدکجه تموج و تنور
یاد ایت بنی ساکتانه یاد ایت!

وقتا که صباحه قارشی ناگاه بر زورق ایچنده بر تک انسان
حسرتله چکوب بر آتشین آه ترک سس ایله اولور غزلخوان
اول آه حـزین عاشقانه اول غملى ترانه تحسّر
بی شبهه ایدنجه قلب و جانّه ایجاب تکدر و تأثر
یاد ایت بنی گیزیلی یاد ایت

بر قلب رقیق و ناتوانله فرقده نه چکدیکم بیلنمز
هجرانله، ستم له، امتحانله اما که وفای دل سیلنمز
سودمسه سنی بودرلو سودم سنسین بکا مایه تفکّر
ایتدکجه لسانم اوزره دائم اذکار محبتک تکرر
یاد ایت منی سنده گاه یاد ایت

وقتا که حلول ایدوبده ایلول مستغرق حزن اولور طبیعت
وقتا که براغبرار مجهول ایلر دلکی اسیر قسوت
سیر ایت او سحابهیی سماده: ایتدکجه حزین حزین تقطر
بر رقت ایله خلاف عاده شاید اوله یاشله کوزلرک پر!
یاد ایت بنی اول زمانده یاد ایت!

وقتا که طوروب شو قلب غمناک طوپراقده نهان اولور وجودم
وقتاکه طولوب دهانیمه خاک شوقکله تمام اولور سرودم

تنها گیجه‌لرده بر خیالت منظورک اولونجه بالتحیر
یوم چشمکی با کمال رقت بدبختی عشقم ایت تصور
یاد ایت منی غملی غملی یاد ایت

(رجائی‌زاده، ۱۳۱۱: ۱۴۰-۱۴۳)

ترجمه:

«آن گاه که بهار فرا می‌رسد و کائنات زندگی از سر می‌گیرند،

آن دم که هزار عشق‌پرور خود را میان برگ‌ها پنهان می‌کند، و نمی‌دانم از دوری
چه کسی ناله و آوا سرمی‌دهد، در آن دم از صافی آسمان، صفای عشقم را درباب و
دمی از من یاد آر.

آن گاه که در شبی خاموش بر طرف جویبار نشستی، نگاهی به بالا کن و چون پرتو
عشق‌انگیز مهتاب، دلت را با غم و اندوه لبریز کرد، از روز گذشته یاد کن، و زمانی که
دریا در پیش نگاه تو موج می‌زند و نور می‌پاشد، در آن خموشی از من یاد آر.»
(آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۹۶)

آن گاه که سحرهنگام ناگاه درون زورقی انسانی را می‌بینی که با حسرت آهی
آتشین می‌کشد و با صدایی لرزان به غزلخوانی مشغول می‌شود و آن آه حزین عاشقانه،
آن ترانه غمگین حسرت‌بخش، بدون تردید قلب را مکدر و جان را متأثر می‌سازد، از
من یاد آر.

با قلب رقیق ناتوان، دردهایی را که در روزهای فراق کشیدم قابل درک نیست، اما
با هجران و ستم و امتحان [معشوق]، وفای دل من سترده نمی‌شود. (از بین نمی‌رود).
اگر عاشق تو شدم این گونه بود و تو مایه تفکر (فکر و خیال) من هستی. وقتی یاد
محبت تو را بر زبانم، دائماً تکرار می‌کنم، تو نیز گاهی از من یاد آر.

وقتی که ماه مهر فرامی‌رسد، طبیعت غرق اندوه می‌شود. وقتی که کدورتی مجهول، دلت را گرفتار قسوت می‌کند، آن تکه ابر را در آسمان تماشا کن: وقتی که با حزن و اندوه، قطره قطره می‌بارد، با رقت قلب خلاف عادت، شاید چشمانت با اشک پر شود، در آن زمان هم از من یاد آر.

آن گاه که این قلب غمناک از حرکت بازمی‌ایستد و وجودم در خاک پنهان می‌گردد، آن گاه که دهانم از خاک پر می‌شود و با شوق سرودم (شعرم) نیز به پایان می‌رسد، آن گاه که در شب‌های تنهایی با حیرت، روحم به سراغت خواهد آمد، یک لحظه چشم خود را بر هم گذار و بدبختی عشقم را در نظر آور، و غمگینانه از من یاد آر.

۱. هدف شعر

همان طور که دهخدا خود اشاره دارد، شعر «یاد آر ز شمع مرده» یک وصیت‌نامه است. شعر موسه و شعر رجائی‌زاده نیز در حقیقت وصیت عاشقی هستند برای معشوق. بنابراین «خاطره و به یاد آوردن»، هسته اصلی هر سه شعر را تشکیل می‌دهد. وجه تمایز در این میان، گوینده اشعار هستند. شعر فرانسوی «به یاد آر» و در کنار آن شعر «یاد ایت بنی» از زبان خود شاعر بیان شده‌اند، اما در شعر دهخدا، گوینده شخصی غیر از شاعر یعنی محبوب و دوست وی، میرزا جهانگیر خان است. همین وجه تمایز، دو شعر قبلی یعنی «به یاد آر» و «یاد ایت بنی» را به صورت کامل به گذشته ارجاع می‌دهد که یکی از ویژگی‌های اصلی شعر در مکتب رمانتیسم به حساب می‌آید. (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۱۸۱) اما بیان آرزوها از زبان شخصی دیگر در شعر دهخدا، پیشی آرمانی نسبت به آینده ایجاد می‌کند که تفسیری اجتماعی دارد. در واقع دهخدا به عنوان یکی از صداهای بلند شعر مشروطه در این شعر هدفی اجتماعی را دنبال می‌کند.

بسیاری از شاعران در اروپا نیز پس از شکست انقلاب فرانسه و تحقق نیافتن آرمان‌ها و امیدها در اشعار خود از شکست و یأس سخن گفتند اما در عین حال به آینده‌ای آرمانی و طلایی امید بستند. (جعفری، ۱۳۸۶: ۷۸) حتی موسه رؤیای عصر طلایی پریکلِس^۷ را می‌دید. (۸) دهخدا نیز در شعر «یاد آر ز شمع مرده» با کمک تصاویر خود چشم‌اندازی روشن و امیدوارانه از آینده را نشان می‌دهد. آینده‌ای روشن که وصیت‌کننده شعر «یاد آر ز شمع مرده» یعنی میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل جان خود را در راه آن داده است.

چون گشت ز نو زمانه آباد	ای کبودک دوره طلایی!
وز طاعت بندگان خود شاد	بگرفت ز سر خدا، خدایی،
نه رسم ارم، نه اسم شداد،	گل بست دهان ژاژخایی،
ز آن کس که ز نوک تیغ جلاد	مأخوذ به جرم حق‌ستایی

پیمانه وصل خورده یاد آر!

(آرین پور، ۱۳۵۴: ۹۷)

سرچشمه اصلی شعر «به یاد آر» آلفرد دو موسه که زندگی کاملاً عاشقانه‌ای داشته است (۹) و شعر «یاد ایت بنی» رجائی‌زاده، من شخصی است و شاعر در هر کدام از این دو شعر هدفی شخصی را برای بیان احساسات خود با شیوه‌ای رمانتیک دنبال می‌کند. اما در شعر «یاد آر ز شمع مرده»، اگرچه دهخدا الگویی خصوصاً فرانسوی برای شعر خود در نظر داشته اما به جهت کارکرد اجتماعی ذهن دهخدا و بر اساس بستر فرهنگی و اجتماعی‌ای که وی در آن پرورش یافته و می‌زیسته است، هدف شعر

از یک مسئله شخصی که شکست عاطفی یا هجران باشد به هدفی کاملاً اجتماعی که وجود اختناق شدید و فقدان آزادی است، تغییر می‌کند که این امر یکی از اصلی‌ترین نمونه‌های ایرانیزه کردن الگوهای خارجی در شعر معاصر به حساب می‌آید. دهخدا که در شرایط اجتماعی خاص و در دوران مشروطه زندگی می‌کرده و دغدغه‌هایی کاملاً اجتماعی داشته است، در سرایش شعر «یاد آر ز شمع مرده» نیز در این مسیر حرکت می‌کند. در واقع شعر او در نگاهی دقیق‌تر مرثیه‌ای اجتماعی است که از مرگ آزادی و مرگ مردم در راه آزادی، ناله سر می‌دهد.

۲. تصاویر شعر

یکی از روش‌های نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی «تصویرشناسی» است. به طور کلی، تصاویر جدیدی که در آثار شاعران مشاهده می‌شود بر اساس پشتوانه فرهنگی و ادبی آنها شکل می‌گیرد. «تصاویر ما برگرفته از تصاویر پیشینی هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در خصوص موضوع مورد توجه وجود داشته است. هیچ تصویری بدون دخالت تصاویر دیگر ساخته و پرداخته نمی‌شود و به طور کلی چنین امکانی وجود ندارد.» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۱۲۶) در شاخه ادبیات تطبیقی، محقق به دنبال تصاویر مشترکی است که در آثار تطبیقی وجود دارند.

همان طور که در نقل قولی از دهخدا بیان شد، دهخدا ابتدا سه بند از این شعر را سروده و سپس دو بند دیگر به شعر اضافه نموده است. نکته قابل توجه در این میان، تصاویر و مضامین مشترکی است که خصوصاً بین دو بند اول شعر دهخدا و شعر آلفرد دو موسه وجود دارد.

شعر «به یاد آر» موسه شعری است رمانتیک و طبیعت‌نقشی ویژه را در این شعر

ایفا می‌کند. «همدلی و یگانگی انسان با طبیعت از اصول بنیادین هنر رمانتیک است. خصوصاً در مواقعی که محیط طبیعی شباهت تامّ و تمامی با حالات و وضعیت روح و ذهن فرد پیدا می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۲۴) از لحاظ تاریخی ابتدا شعر موسه (۱۸۴۲ م) سپس شعر رجائی‌زاده (۱۳۰۲ ق = ۱۸۸۵ م) و در ادامه شعر دهخدا (۱۳۲۷ ق = ۱۹۰۹ م) سروده شده است. بنابراین تصاویر شعر آلفرد دو موسه در بار رمانتیک دو شعر دیگر یعنی شعر «یاد ایت بنی» و خصوصاً شعر «یاد آر ز شمع مرده» تأثیر مستقیم داشته است. البته در دوره سرایش هر کدام از این سه شعر، چه در فرانسه، چه در سرزمین عثمانی و چه در ایران از نظر ادبی دوره رمانتیسم حاکم بوده و این امر نیز در پذیرش بستر رمانتیک هر دو شعر چه در ادبیات عثمانی و چه در ادبیات فارسی کاملاً تأثیر داشته است. بنابراین هر سه شعر در مسیر تخیل و تصویرسازی به صورت مستقیم از عناصر طبیعت بهره جسته‌اند؛ تصاویر عاطفه‌سازی مانند صبح، خورشید، شب، جنگل، گل در شعر موسه و بهار، هزار، آسمان، شب، جویبار، مهتاب، دریا در شعر رجائی‌زاده و شب، خورشید، نسیم، مهتاب، باغ، بلبل، گل در شعر دهخدا.

اما وجه تمایز در این میان، بار اجتماعی و حرکت نمادین تصاویر شعر دهخدا است. اگرچه هر سه شعر با وجود همه اختلافات در ابعاد تاریخی و اجتماعی، از لحاظ ادبی در بستری رمانتیک سروده شده‌اند، اما حرکت تصاویر در شعر دهخدا با دو شعر دیگر تفاوتی قابل توجه دارد. «این شعر تصویرهایی است پی در پی از دوره اختناق.» (عابدی، ۱۳۷۹: ۱۴۵)

تخیل شاعرانه‌ای از شب و روز و تقابل این دو، هم در آغاز شعر «به یاد آر» موسه وجود دارد و هم در بند اول شعر «یاد آر ز شمع مرده». آلفرد دو موسه با تصاویری زیبا و استعاری، شب و روز از معشوق خود خواستار یادآوری شاعر است تا «دوری و

زمان پیش عشق» تأثیری نداشته باشد. اما دهخدا در فرآیند تأثر از شعر موسه، به شب کارکردی سمبولیک و نمادین بخشیده است. در حقیقت «شب تار، در آغاز این شعر، نمادی است از ظلمت سیاه استبداد و یزدان که نیرویش بر اهریمن زشت‌خوی استبداد پیروز می‌شود، نمادی است از آزادی و رهایی در معنای جدید.» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۳۹) استفاده سمبولیک از شب برای استبداد در ادبیات فارسی بی‌سابقه بوده و در این شعر برای اولین بار ارائه شده است. در بند اول، دهخدا با بیان سیاه کاری شب و قدرت نسیم روح بخش سحر در زایل کردن خواب از سر خفتگان، به طور سمبولیک مضمون خاص اجتماعی ایجاد کرده و با ارائه تقابل شب با سپیدی و روشنی روز، مفهوم منفی و اجتماعی شب را وسعت بخشیده است.

تداعی معانی از سه طریق مجاورت، مشابهت و تضاد در ذهن انسان شکل می‌گیرد. (محمدی، ۱۳۷۵: ۸۵) کلمه شب علاوه بر اینکه طبق قاعده تضاد، خورشید، روز و سحر را به ذهن می‌آورد، شمع را نیز تداعی می‌نماید. بر این اساس دهخدا در مصراع ترجیع از شمع استفاده کرده و میرزا جهانگیرخان را «شمع مرده» می‌نامد. استعاره قرار گرفتن شمع برای شهید نیز برای اولین بار در ادبیات فارسی در این شعر روی می‌دهد. شمع در این شعر دهخدا شمعی نیست که پیش از این شعر و در سنت ادبیات کلاسیک فارسی توصیف شده است؛ توصیفی که شمع را روشنی‌بخش شب فراق و همدلی برای عاشق دلسوخته در گریه کردن نشان می‌دهد. در حقیقت «شمع، دست کم در بافت این شعر خاص، تصویر یک رزمنده پاکباز را ترسیم می‌کند که زندگی خود را برای زدودن شب تاریک ظلم و استبداد فدا می‌کند.» (عابدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸) پیوند تصاویر نمادین شب، سحر و شمع با یکدیگر بار اجتماعی و سمبولیک شعر «یاد آر ز شمع مرده» را وسعت می‌بخشد و باعث ارتباط بیشتر و بهتر خواننده با

نمادهای موجود در این شعر می‌گردد.

ای مرغ سحر! چو این شب تار	بگذاشت ز سر سیاهکاری،
وز نفعه روح‌بخش اسحار	رفت از سر خفتگان خماری،
بگشود گره ز زلف زرتار	محبوبه نیلگون عماری،
یزدان به کمال شد پدیدار	و اهریمن زشتخو حصاری،

یاد آر ز شمع مرده یاد آر!

(آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۹۶)

تصویر مشترک دیگر بین شعر دهخدا و شعر آلفرد دو موسه «گل» است. موسه در بند آخر شعرش که از مشهورترین بندهای اشعار اروپایی است و بر اساس مشاهده تصاویر مقبره موسه توسط نویسنده این مقاله، بر پشت سنگ مجلل مقبره وی در گورستان پرلاشز^۸ در پاریس نوشته شده، تصویری کاملاً عاطفی از گل ارائه کرده است:

«وقتی که گل یگانه گلبن گور من آرام شکفته شد، مرا به یاد آر!»

گل بر اساس قاعده مجاورت و مشابهت تداعی‌کننده باغ و دیگر گل‌ها نیز است. در سنت ادبیات فارسی نیز بلبل عاشق گل است. بنابراین گل به عنوان تصویر کلیدی در شعر «یاد آر ز شمع مرده» دهخدا تصاویر نمادین دیگری از باغ، بلبل و گل‌ها را نیز در بند دوم این شعر ایجاد می‌کند. ترکیب «آوائی استغاثه‌کنان» در پایان شعر موسه نیز در تداعی بلبل در شعر دهخدا به عنوان عاشقی که ناله سر می‌دهد، بی‌تأثیر نیست. بلبل در شعر «یاد آر ز شمع مرده» نمادی از خود شاعر و دیگر شاعران مبارز علیه استبداد است و معنی اجتماعی جدیدی به خود گرفته است.

چون باغ شود دوباره خرم
وز سنبل و سوری و سپرغم
گل سرخ و به رخ عرق ز شبم
ز آن نوگل پیشرس که در غم
ای بلبل مستمند مسکین!
آفاق، نگار خانه چین،
تو داده ز کف قرار و تمکین
ناداده به ناز شوق تسکین،
وز سردی دی فسرده، یاد آر!

(آرین پور، ۱۳۵۴: ۹۶)

تمامی تصاویر موجود در شعر «یاد آر ز شمع مرده» مفهوم سیاسی و اجتماعی مورد نظر دهخدا را وسعت بخشیده، سلسله‌ای از تصاویر جدید هنری را ایجاد می‌کنند که مفاهیم و معانی تازه‌ای را به خواننده انتقال می‌دهند، مفاهیمی که پیش از این شعر در ادبیات کلاسیک فارسی سابقه‌ای نداشته است. دهخدا علاوه بر استفاده از تصاویر الگوی فرانسوی شعر خود، در مسیر هدف اجتماعی‌اش و ایرانیزه کردن مضامین، از تصاویر و مضامین مذهبی نیز در بندهای دیگر شعر بهره جسته است. در بند سوم تلمیحات «یوسف» جهانگیر خان صوراسرافیل و «مونس یوسف» خود شاعر را در ذهن تصویر می‌کند، تعبیر سرگردانی یار (شاعر) با موسی (جهانگیر خان) در بیابان (کشور دچار استبداد و ظلم) به عنوان مضامین دینی و بالآخره عبارت تازه و بی‌سابقه «کودک دوره طلایی» در بند پایانی، پیوندهای روشنی با مفاهیم اجتماعی مورد نظر دهخدا دارند. دوره طلایی در ادبیات کلاسیک فارسی و پیش از این شعر دهخدا هیچ سابقه‌ای ندارد اما جزو اصطلاحات خاص ادبی در ادبیات غربی خصوصاً مباحث نقد ادبی است. (Cuddon, 2013 → glodenage)

در شعر «یاد ایت بنی» رجائی‌زاده نیز تصاویر شاعرانه‌ای از شب و بلبل وجود دارد. اما بر اساس نظام تصاویر در شعر رجائی‌زاده اگر دهخدا در هنگام سرایش شعر «یاد آر

ز شمع مرده» صرفاً به شعر رجائی‌زاده نظر داشت، قطعاً تصاویر دیگری نیز در ذهن وی تداعی می‌شد؛ تصاویری مانند آسمان، جویبار، موج، دریا، زورق و خاک که هم از نظر هنری و هم از لحاظ نمادپردازی و سمبولیسم دارای قابلیت ویژه‌ای هستند. تصویر مهتاب هم که در شعر دهخدا جزو کلمات تصویرساز بند دوم است، در ادبیات و شعر رمانتیک خصوصاً شاعران رمانتیک فرانسوی جایگاه بسیار برجسته و مشهوری دارد و نمی‌توان گفت که دهخدا تصویر مهتاب را صرفاً از شعر رجائی‌زاده الگوبرداری نموده است.

نتیجه‌گیری

دهخدا که به گواهی خود زبان ترکی را آموخته بود (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۹۵) و زبان فرانسوی را نیز می‌دانسته، قدرت ارتباط با هر دو شعر فرانسوی و ترکی را داشته است. اما همان‌طور که بیان گردید دهخدا در توضیحات خود در مورد شعر «یاد آر ز شمع مرده» به پیرنیا که با زبان فرانسوی آشنا بوده، تنها از الگوی اروپایی شعر صحبت می‌کند و اشاره‌ای به شعر ترکی ندارد. همچنین شعر «یاد آر ز شمع مرده» زمانی سروده شده است که دهخدا در اروپا بوده و مدتی نیز در فرانسه سکونت داشته است. شعر آلفرد دو موسه نیز از نظر هنری شهرت جهانی یافته بود و مسلماً شخصی چون علامه دهخدا در کشور فرانسه به خوانش روزنامه‌های فرانسوی قناعت نمی‌کرده و با ادبیات فرانسه نیز آشنا می‌شده است. همچنین همان‌طور که بررسی تطبیقی دو شعر دهخدا و آلفرد دو موسه نشان داد تصاویر مشترکی میان این دو شعر وجود دارد که بیانگر تأثیر دهخدا از شعر فرانسوی است. اما بر اساس هدف اجتماعی دهخدا هدف این دو شعر با هم تفاوت یافته و دهخدا در مسیر ایرانیزه کردن تصاویر شعر نیز از

تلمیحات دینی و ادبی کاملاً فارسی در شعر خود استفاده کرده است.

البته با توجه به ارتباط دهخدا با شعر ترکی عثمانی (همان) و توجه به شاعران ترک آن دوره احتمال آشنایی دهخدا با شعر «یاد ایت بنی» رجائی زاده وجود داشته و حتی تعداد مصراع‌های هر بند شعر دهخدا با شعر رجائی زاده یکسان است. اما بیان این موضوع که دهخدا در سرایش شعر «یاد آر ز شمع مرده» صرفاً به الگوی ترکی شعر یعنی «یاد ایت بنی» رجائی زاده توجه داشته از نظر علمی و ادبی بی‌انصافی محض است.

در واقع شعر «یاد آر ز شمع مرده» یکی از نمونه‌های اصلی الهام از ادبیات غربی است و دهخدا در سرودن این شعر به اشعار غربی توجه داشته است. اما نکته‌ای که در این نگاه تطبیقی باید به آن توجه کرد این مطلب است که او در این الگوبرداری، به جنبه هنری عناصر و تصاویر توجه داشته و مضامین و تصاویر مشترک را از فیلتر ذهن و تخیل خود عبور داده و با استفاده از نبوغ ویژه خود و بر اساس قواعد شعر فارسی به آنها رنگ ایرانی بخشیده و اصطلاحاً آنها را «ایرانیزه» نموده است. بنابراین الگوبرداری دهخدا در شعر «یاد آر ز شمع مرده» از اشعار غربی یکی از نمونه‌های موفق الگوبرداری هنری از شعر فرنگی در ادبیات فارسی است. نبوغ هنری در اصل تغییر فرمول‌های عناصر و اجزاء از پیش تعیین شده در هنر و دادن شکلی جدید به آنها است، به نحوی که گویی برای اولین بار است که آن پدیده هنری ارائه می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. رک : (عابدی، ۱۳۷۹: ۱۹۷).
 ۲. روزنامه صوراسرافیل پس از مسافرت دهخدا از ایران دوباره، در اول محرم سال ۱۳۲۷ ه.ق در شهر ایوردون سوئیس و به همان سبک سابق دایر شد. ولی از این روزنامه تنها سه شماره بیشتر انتشار نیافت. (آرین پور، ۱۳۵۴: ۹۴)
 ۳. پیرنیا، ابوالحسن، ملقب به معاضدالسلطنه (۱۲۴۸ ش - ۱۳۱۸ ش). والی، وزیر و وکیل مجلس شورای ملی. در نائین متولد شد. در ۱۳۱۰ به خدمت وزارت امورخارجه درآمد و در اوایل ۱۳۲۴ به اروپا رفت و به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در کشورهای اروپا سیاحت کرد. در ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و به نمایندگی دوره اول مجلس شورای ملی تعیین گردید. از جمله مشاغل دولتی وی می-توان به وزارت پست و تلگراف، وزارت عدلیه، استانداری فارس و استانداری کرمان اشاره کرد. (عاقلی، ۱۳۷۹)
 ۴. رک: (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۷۰).
 ۵. آلفرد دو موسه (۱۸۱۰-۱۸۵۷ م). شاعر و نمایش‌نامه‌نویس بزرگ رمانتیک فرانسوی که با چاپ هر اثرش همه را مبهوت می‌ساخت و غوغا به پا می‌کرد. از اشعار او می‌توان به قصه‌های اسپانیایی و ایتالیایی، نامه‌ای به لامارتین، امید به خدا، شب‌ها که مشهورترین اثر وی به شمار می‌رود و یادگار را نام برد. از نمایشنامه‌های مشهور وی نیز می‌توان به شب ونیزی، هوس‌های ماریان، فانتازیه و شمعدان اشاره نمود. از سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ آثار نمایشی هیچ نویسنده فرانسوی به اندازه نمایشنامه‌های موسه روی صحنه نماند. (خانلری، ۱۳۷۵ ← موسه)
 ۶. حسن جوادی در مقاله خود به اشتباه، آهنگ موتسارت را ساخته شده بر اساس شعر «به یاد آر» موسه می‌داند: «شعر «به یاد آر» شهرت بسیار داشته و موزارت آن را به موسیقی درآورده است.» (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۱۳ - ۱۱۴) تعجب فراوان دارد که جوادی نه تنها به زمان فوت موتسارت یعنی ۱۷۹۱ م و تولد موسه یعنی ۱۸۱۰ م توجه نکرده، بلکه عبارت دیوان موسه درباره شعر «به یاد آر» را نیز اشتباه متوجه شده است. در دیوان موسه در ذیل عنوان شعر «به یاد آر» چنین نوشته شده است:
- (Paroles faites sur la musique de Mozart) (musset, 1891: 323)**
- یعنی این شعر سروده شده بر اساس آهنگ موتسارت است.

برای مطالعه نت و شنیدن آهنگ «فراموشم مکن» موسارت رجوع شود به :

<http://www.musicaneo.com/de/sheetmusic/sm-2149-vergiss-mein-nicht.html>

۷. «رجائی‌زاده محمود اکرم بیگ (۱۲۶۳ - ۱۳۳۱ ق) نویسنده، شاعر و پیشوای فن انتقاد در ادبیات ترک، در شهر استانبول به دنیا آمد. وارد خدمات دولتی شد و پس از مشروطیت به وزارت معارف و اوقاف و بعد به نمایندگی مجلس اعیان رسید. مهم‌ترین آثار او دو مجموعه شعر زمزمه و نژاد اکرم و کتابی در تعلیم ادبیات است. (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۹۵)

۸. پریکلس (۴۹۴ - ۴۲۹ ق. م) از مردان سیاسی و خطبای بزرگ و جنگاوران قدیم آتن است. در زمان وی شاعرانی مانند سوفوکلس و اری پیدوس پدید آمدند و دوره حکومت او از جهت ادبیات و صنایع به پایه‌ای رسید که آن را از سایر ادوار برتر شمرده قرن پریکلس خواندند. (دهخدا، لغت‌نامه ← پریکلس)

۹. رک : (خانلری، ۱۳۷۵ ← موسه).

منابع

کتاب

- آجودانی، ماشاالله (۱۳۸۲)؛ *یا مرگ یا تجدد*. تهران: اختران.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۴)؛ *از صبا تا نیما*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- جعفری، مسعود (۱۳۸۶)؛ *سیر و ماتنیسم در ایران*. تهران: نشر مرکز.
- خانلری، زهرا (۱۳۷۵)؛ *فرهنگ ادبیات جهان*. تهران: خوارزمی.
- درودیان، ولی‌الله (۱۳۸۵)؛ *سرچشمه‌های مضامین شعر امروز ایران*. تهران: نشر نی.

- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۹۰): نقد آثار علی اکبر دهخدا. شیراز: نوید شیراز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵-۱۳۶۲): لغت نامه. تهران: چاپخانه مجلس، دانشگاه تهران.
- رجایی زاده، محمود اکرم (۱۳۱۱): ق. پژوهش. قسطنطنیه: عالم.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۷): مکتب های ادبی. تهران: نگاه، ج ۱، چاپ پانزدهم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰): ادوار شعر فارسی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۰): با چراغ و آینه. تهران: سخن.
- عابدی، کامیار (۱۳۷۹): صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا. تهران: کتاب نادر.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۶): بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- فلسفی، نصرالله (مترجم) (۱۳۴۱): اشعار منتخب از شاعران رمانتیک فرانسه. تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴): طلیعه تجدد در شعر فارسی. ترجمه مسعود جعفری. تهران: مروارید، ۱۳۸۴.
- محمدی، محمدحسین (۱۳۷۵): بیگانه مثل معنی. تهران: میترا.
- Cuddon, J. A. , *A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory*. Fifth edition, New York, Wiley-Blackwell.
- Musset, Alfred de. 1891. *Poésies nouvelles, 1836 —1852*. Nouvelle edition, Paris.

مقاله

- جوادی، حسن (۱۳۸۹): بهار. «نگاهی تطبیقی به شعر ای مرغ سحر دهخدا و به یاد آر آلفرد دو موسه». ادبیات تطبیقی. س ۱، ش ۱. ص ۱۰۶ - ۱۱۷.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۹): «پیرنیا، ابوالحسن». دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حدادعادل. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ج ۵: ۹۱۸ - ۹۱۹.

سایت

- سایت موسیقی:

[http://www.musicaneo.com/de/sheetmusic/sm-2149 vergiss mein nicht.html](http://www.musicaneo.com/de/sheetmusic/sm-2149-vergiss-mein-nicht.html)